

آسیب‌های اجتماعی جامعه دینی و شیوه‌های برون رفت از آن - احمدعلی خائف الهی، محمد خجسته
فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال یازدهم، شماره ۴۳ «ویژه پژوهش‌های فاطمی»، تابستان ۱۳۹۳، ص ۱۱۵-۱۲۹

آسیب‌های اجتماعی جامعه دینی و شیوه‌های برون رفت از آن (با توجه به روش زندگی حضرت فاطمه سلام الله علیها)

احمدعلی خائف الهی *

محمد خجسته **

چکیده: در این مقاله، شیوه‌های برون رفت از آسیب‌های اجتماعی در قالب نظریه مدیریتی "احیاء رفتارهای ارزشی" مورد بررسی قرار گرفته است، بدین ترتیب که در مرحله اول از مدل مذکور، آگاهی بخشی جامعه از آثار مخرب معضل اجتماعی، مورد تأکید قرار گرفته و در مرحله بعدی، آن بخشی از مسائل اعتقادی و ثمرات علمی رفتارها و سیره حضرت فاطمه سلام الله علیها که کاربردی شده است، در اختیار آحاد جامعه قرار می‌گیرد، به گونه‌ای که بطور کلی سیره آن حضرت در امور فرهنگی، اجتماعی و سیاسی برای همه افراد جامعه به صورت اسوه و الگو معرفی گردد. در مرحله سوم طوری برنامه‌ریزی می‌شود که عمل به رفتارهای الگوی معرفی شده در بین افراد جامعه نهادینه گردد. و در مرحله آخر، به منظور تثبیت و نگهداری رفتارهای احیا شده، از افرادی که رفتار و سیره آن حضرت را در مدارس، دانشگاه‌ها، محل کار و جامعه به عرصه ظهور می‌گذارند، تقدیر به عمل می‌آید.

کلیدواژه‌ها: فاطمه زهرا سلام الله علیها/ فمینیسم/ تربیت دینی.

فقر و مشکلات معیشتی، بیکاری و عدم اشتغال، اعتیاد، آشفته‌گی کانون خانواده، کم رنگ شدن ارزشهای اجتماعی و ده‌ها عناوین دیگر بخشی از آسیب‌های اجتماعی در دنیای فعلی است.

با وجود آموزه‌ها و الگوهای دینی، جوامع دینی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و با آسیب‌های اجتماعی متعددی دست و پنجه نرم می‌کنند.

جوامع کنونی، با تنوع و تعداد بیشماری از آسیب‌های اجتماعی مواجه هستند که در میان آنها موضوع فمینیسم، آسیب‌های جبران‌ناپذیری به جامعه وارد کرده است، به گونه‌ای که می‌توان فمینیسم را منشاء بسیاری از آسیب‌های موجود در جامعه عنوان نمود. برای مثال تشکیل خانواده بدون ازدواج، همجنس‌گرایی، طلاق و بیماریهای روحی و روانی ناشی از آن، سقط جنین، بالا رفتن سن ازدواج، افزایش آمار مفاسد اخلاقی، بروز رفتارهای پیش فعال در بین دختران نوجوان و ده‌ها موارد دیگر، از آسیب‌هایی است که به نحوی از انحاء موضوع فمینیسم بین‌المللی در ایجاد آن بی‌تاثیر نبوده است.^۱ فمینیسم می‌تواند از نوع تندرو و معتدل و در زمینه‌های ارزشی نوع مسیحی، یهودی، اسلامی و ... باشد.^۲

با توجه به اهمیت موضوع سعی شده تا ابتدا تاریخچه مختصری از فمینیسم در جهان و ایران مطرح سپس شیوه‌های برون‌رفت از آسیب‌های متأثر از وجود دیدگاه فمینیسم در جامعه، در قالب الگوی مدیریتی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

لذا جهت تحقق اهداف مقاله به سوالات پژوهشی ذیل پاسخ داده خواهد شد.

۱- فمینیسم چیست و چه ویژگیهایی دارد؟

۱. محمدرضا، زیبایی نژاد، محمد تقی، سبحانی، درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام.

۲. روتلیج، فمینیسم و دانش‌های فمینیستی.

۲- آیا فمینیسم ایرانی وجود دارد؟

۳- دیدگاه و سیره حضرت فاطمه سلام الله علیها در مورد نقش زن در اجتماع چیست؟

۴- چه مدل و راه حلی در مورد برخورد با فمینیسم غربی وجود دارد؟

تاریخچه فمینیسم

از دیدگاه برخی دانشمندان در جوامعی که پایه اقتصادی آنها کشاورزی بود، تفاوت معنی داری از نظر حقوق اجتماعی، اقتصادی و... میان زن و مرد وجود نداشت و عموماً مردان کارهای سنگین کشاورزی را انجام می دادند و زنان نیز علاوه بر انجام امور خانه داری، در حد توان و حسب تخصص علاقه و فرهنگ حاکم، به کارهایی از قبیل فرش بافی، دامداری و... مشغول بودند. به گونه ای که در اکثر موارد، هر دوی آنها به ارزشهای مشترک زندگی، پابندی قابل قبولی را از خود نشان می دادند.

شکل گیری جنبش ها، گروه ها و انجمن های دفاع از حقوق زنان، همزمان با انقلاب صنعتی در غرب شدت بیشتری گرفت. بدین گونه که پس از صنعتی شدن کشورهای غربی، سرمایه داران و کارفرمایان به جست و جوی نیروی کار ارزان قیمتی بودند تا ضمن رقابت با سایر تولیدکنندگان، کالاهای ارزانتری را تولید کرده و به بازارهای خارجی ارسال نمایند، زنان به عنوان نیروی کار موجود، ارزان و مطیع مورد توجه قرار گرفتند.^۱

به هر حال، با ورود زنان به کارخانجات و بنگاه های اقتصادی، فشار کار طاقت فرسا که سنخیتی با ساختمان بدنی و فیزیک زنان نداشت، مشکلات جسمی و روحی فراوانی را بر زنان تحمیل کرد. زیرا زنان از لحاظ فیزیک بدنی توان کافی برای دوازده تا پانزده ساعت کار طاقت فرسا در کارگاه هایی با امکانات کم نداشتند.^۲

در واقع تفاوت در برخی از حقوق اجتماعی و تکالیف دینی زن و مرد در اسلام نیز

۱. کامیلیا، سیکو لوجیه المرأة العاملة.

۲. موسوی تاریخچه مختصر تکوین نظریه های فمینیستی.

به همین دلیل است که زنان بدلیل ظرافت و طبع زنانه توان انجام کارهای خشن و مردانه را ندارند، چنانکه مردان نیز از عهده وظایف زنانه برنمی‌آیند. به همین دلیل اسلام در عین حال که با تبعیضات موجود میان زن و مرد به شدت مبارزه کرده است. از مساوات افراطی میان این دو نیز جانبداری نمی‌کند. به عبارت دیگر نه طرفدار تبعیض است و نه معتقد به تساوی، بلکه می‌کوشد تا در جامعه، هر یک را در جایگاه طبیعی خویش بنشاند.^۱

بطور خلاصه می‌توان عنوان کرد که زن و مرد هر کدام دارای توانایی‌هایی خاص و کارکردهای ویژه‌ای هستند که برای کمال هر یک مورد نیاز می‌باشد. نظریه فمینیسم درباره حفظ حقوق زنان می‌گوید آثار زیانباری برای جامعه و خود زنان دارد به گونه‌ای که آنان شأنیت مادری خود را از دست داده و به عنوان ابزاری سودآور برای سرمایه‌داران و بنگاه‌های اقتصادی تبدیل می‌گردند.^۲ هر چند ممکن است که در کوتاه مدت، زنان به منافع اندکی دست یابند. ولی در مجموع و در بلند مدت، زیانهای متوجه زنان خواهد شد که شاید جبران آن دشوار باشد.

غرب اقتصادی و استعمارگر، از حرکت و نهضت‌های ضد بومی و معنوی، به طور جدی جهت تحقق اهداف اقتصادی و سیاسی خود استفاده کرده است. به عنوان نمونه در عصر جدید و در دوران مشروطیت، جریان بهائیت نیز به عنوان یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری فمینیسم در ایران مطرح شد. برای مثال، بهائیت می‌کوشید با زیر سوال بردن احکام شرعی اسلام، رابطه صحیح و سالم بین زن و مرد را به چالش بکشد، روشنفکران غرب‌گرا نیز کوشیدند که با شعار برابری حقوق زن و مرد، احکام شرعی را زیر سؤال برده و سبک زندگی و فعالیت فرهنگی زنان را در چارچوب اصول غربی تعریف مجدد کنند.

۱. شریعتی، زن در چشم و دل محمد.

۲. نادر، «اخلاق، انسان و هم‌جنس گرایی».

فمینیسم در قدم اول نظام ارزشی جامعه را زیر سوال برده و ثروت، شهرت و استقلال فردی را به عنوان ارزش مطلق به افراد جامعه القاء می‌کند.^۱ حضور کمرنگ زنان در خانواده، مشکلات عدیده‌ای را برای فرزندان و جامعه پدید آورده است. به طوریکه در پی موج فمینیسم، عدم تمایل زنان به ازدواج، مادر شدن، و شیردادن به کودک و تمایل به طلاق برای آزادی بیشتر شده است.

حفظ ارکان خانواده که به عنوان یک ارزش اجتماعی و مذهبی قلمداد می‌شد در زمان کنونی در آستانه فروپاشی قرار گرفت، تبلیغات شدید فمینیسم‌ها موجب رواج بی‌حجابی و بی‌بندوباری دختران و پسران شده است. هم‌جنس‌گرایی (در نتیجه بوجود آمدن گرایشهای تجددگرایی، شست‌وشوی مغزی، و دنباله‌روی از مد موجب تضعیف تمایل به جنس مخالف و نتیجتاً موجب تضعیف ارزشهایی منجر به تشکیل و حفظ خانواده شده است)، اعطای اختیار سقط جنین به زنان، مشکلات روحی و روانی و جسمانی زنان، ضعیف شدن عواطف اجتماعی، نفی ارزشهای اسلامی و به طور کلی دینی و اخلاقی از نتایج فمینیسم غربی و حتی ایرانی بوده است.^۲

مجموعه باورهایی در خصوص ارتقاء شغلی مردان و زنان وجود دارد، که فمینیست‌ها این عبارات را طوری بیان می‌کنند که گویی مردان روحیه زن ستیزی در ادارات دارند. مثلاً عنوان سقف شیشه‌ای^۳ به این معنی که یک مانع نامرئی از پیشرفت زنان به سطوح بالاتر جامعه جلوگیری به عمل می‌آید.

و یا عنوان پله برقی شیشه‌ای به این معنی که مردان حتی اگر شایستگی پست و مقامی را نداشته باشند به دلیل مرد بودنشان، با یک پله برقی شیشه‌ای که دیده نمی‌شود

۱. محمدی، عبدالله، دین و فمینیسم.

۲. شفیع سرستانی، جریان‌شناسی دفاع از حقوق زنان.

۳. احمدی، چیب؛ سعیده گروسی؛ ۱۳۸۳؛ "بررسی تاثیر برخی عوامل اجتماعی و فرهنگی بر نابرابری جنسیتی در خانواده‌های شهر کرمان و روستاهای پیرامون آن".

بر سطوح شغلی بالاتر جامعه می‌رسند.^۱

همچنین بسیاری از فمنیست‌ها وظایف خانوادگی، مادری، همسری و تربیت کودکان را نیز نقش کلیشه‌ای می‌دانند.^۲ که این اقدام آنان در جهت زیر سوال بردن نظام ارزشی خانواده بی‌تأثیر نمی‌باشد.

در کشور ایران، با وجود اینکه بعضی فمنیست‌ها باطناً و یا ظاهراً، حضرت فاطمه سلام الله علیها را انسان کاملی می‌دانند، اما با بیان شبهه‌هایی از قبیل تغییر مکان و تحولات موجود در جوامع انسانی، و گذشت بیش از چهارده قرن از زمان زندگی حضرت فاطمه سلام الله علیها، ادعا می‌کنند که امکان اینکه زندگی حضرت فاطمه سلام الله علیها را الگو قرار دهیم، وجود ندارد. لذا بایستی متناسب با شرایط فعلی، و نسبت به معرفی الگوی دیگری به جامعه انسانی خصوصاً به زنان اقدام کرد.

بدیهی است در جوامعی که شهرت و ثروت و آزادی کامل زنان در امور جنسی به عنوان ارزش مطلق معرفی گردد، حضرت فاطمه سلام الله علیها برای چنین جامعه‌ای نمی‌تواند الگو و شاخص مناسبی باشد. حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها حجت خداوند متعال بر تمام جهانیان می‌باشد. لذا موکداً باید عنوان کرد که می‌تواند الگوی علمی و عملی مؤثری برای زنان متدین و خدا ترس جامعه باشد.

شیوه‌های برون رفت از آسیب‌های متأثر از وجود دیدگاه فمنیسم در جامعه اسلامی شیوه‌های برون رفت از آسیب‌های اجتماعی یکی از بخشهای اصلی موضوع مقاله می‌باشد، لذا در این مرحله شیوه مذکور در قالب نظریه مدیریتی "احیاء رفتارهای ارزشی" مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. پورکیانی، مسعود - شعاعی، فاطمه، مشکلات شغلی زنان در پست‌های مدیریتی.

۲. محمدی، عبدالله، دین و فمنیسم.

الف - ذوب شرایط موجود

بدون شک مهمترین اقدام در جهت جلوگیری و برون رفت از آسیب‌ها و معضلات اجتماعی هر جامعه آگاهی بخشی مردم از مضرات و آثار مخرب معضل اجتماعی مورد نظر می‌باشد. لذا در قدم اول لازم است آثار مخرب معضل‌های اجتماعی به وضوح تبیین گردد.

ب- احیاء شرایط جدید و معرفی الگوی مورد نظر

یکی از مهم‌ترین روش‌ها در تربیت، روش الگویی است. زیرا تأثیر شخصیت الگو در شکل‌گیری رفتار و منش تربیت شونده به مراتب بیشتر از موارد دیگر است. اسلام نیز به این روش اهمیت زیادی داده است و قرآن کریم بخشی از آیات مبارک خود را به معرفی مردان و زنان موحد و ثابت قدمی اختصاص داده است که در شرایط گوناگون، صلاحیت و شخصیت خود را بروز داده و حق محوری خویش را به اثبات رسانده‌اند. از زنان پاک دامن و عفیفی چون مریم سلام الله علیها، آسیه همسر فرعون سلام الله علیها و دختران شعیب که الگوی زنان در شرایط مختلف می‌باشند تجلیل و ستایش کرده است. از عالی‌ترین الگوهای قابل پیروی برای انسان‌ها به ویژه زنان، حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا سلام الله علیها است.^۱

درباره زندگانی حضرت زهرا سلام الله علیها کتاب‌ها و مقالات بسیاری به رشته تحریر در آمده اما در این مقاله سعی شده است که احادیث و روایات مربوط به سیره و رفتار حضرت فاطمه سلام الله علیها به عنوان بارزترین مصداق اهل بیت، در چارچوب روایات موجود در کتب شیعه و سنی مورد بررسی قرار گیرد، با امید به اینکه سیره و رفتار آن حضرت بعنوان الگوی افراد جامعه قرار گیرد.

هدف اساسی این بخش، آشنایی با رفتار، اخلاق و سیره حضرت فاطمه سلام الله

۱. ثریا مکنون، حقوق زن در اسلام و مقایسه‌ی آن با دیدگاه بین‌المللی حقوق بشر.

علیها برای الگوگیری از ایشان است. از این رو زندگی، منزلت و سیره ایشان در امور اخلاقی، عبادی، معنوی، همسررداری، خانه‌داری، تربیت فرزند و امور فرهنگی - اجتماعی و سیاسی، بررسی و مصادیقی از هر کدام به طور خلاصه عنوان شده است.

ارزش تعلیم و تعلم از نظر حضرت فاطمه سلام الله علیها

حضرت زهرا سلام الله علیها به علم و دانش و آگاهی بخشی، اهمیت بسیار می داد، و خود مخزن علم الهی بود، و اندوخته های علم لدنی و اکتسابی او در سطحی بود که امامان معصوم علیهم السلام از آن استفاده می بردند، و از آن به عنوان "مصحف فاطمه" یاد می کردند^۱ به عنوان نمونه روایتی نقل می کنیم.

روزی بانویی به محضر حضرت زهرا سلام الله علیها آمد و عرض کرد: "مادر ناتوانی دارم که درباره نماز به احکام و مسائلی ناآگاه است، مرا نزد شما فرستاده، تا آن احکام را از شما بپرسم." فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمود: بپرس.

او ده سؤال، پشت سر هم پرسید و پاسخ آنها را دریافت کرد، آنگاه از بسیاری سؤال خود شرمنده شد و عرض کرد: "ای دختر رسول خدا، بیش از این شما را زحمت نمی دهم." فاطمه سلام الله علیها فرمود: آنچه نمی دانی بپرس، آیا شخصی را می شناسی که در برابر صد هزار دینار (مثقال طلا) اجیر شود که فقط یک روز بار سنگینی را بالای بام ببرد، و اظهار خستگی کند؟ او عرض کرد: نه. فاطمه سلام الله علیها فرمود: "من نیز در پیشگاه خدا اجیر شده ام که در برابر هر مسأله ای که می پرسی، و به تو پاسخ می دهم، پاداش بسیار بگیرم که اگر بین زمین تا عرش را پر از گوهر ناب کنند و به من بدهند باز ارزش آن پاداش، بیشتر است، بنابراین من سزاوارتر از آن هستم که اظهار خستگی نکنم، من از پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمود: علمای شیعه ما در قیامت به مقدار

علمشان و به اندازه تلاششان در راهنمایی مردم، پاداش می‌برند.^۱

جدیت در حفظ حریم عفاف

روزی مرد نابینایی، پس از اجازه، به خانه فاطمه سلام الله علیها آمد، پیامبر ﷺ در آنجا حاضر بود، فاطمه سلام الله علیها خود را از آن نابینا پوشانید و از او فاصله گرفت، پیامبر ﷺ به او فرمود: "چرا از مرد نابینا فاصله گرفتی، با این که او تو را نمی‌بیند؟" فاطمه سلام الله علیها پاسخ داد: "او اگر مرا نمی‌بیند من که او را می‌بینم، وانگهی او بو را استشمام می‌کند." رسول خدا ﷺ به نشانه تصدیق گفتار فاطمه سلام الله علیها، خطاب به او فرمود: "أَشْهَدُ أَنَّكَ بَضْعَةٌ مِنِّي؛ گواهی می‌دهم که تو پاره تن من هستی."^۲

جلوه‌ای از ایثار در خانه فاطمه سلام الله علیها

نیازمندی گرسنه به محضر رسول خدا ﷺ آمد، و تقاضای غذا کرد، کمبود غذا به گونه‌ای بود که در خانه فاطمه سلام الله علیها جز اندکی از آن برای کودکان نبود، حضرت علی (ع) شبانه آن نیازمند گرسنه را به خانه خود برد و ماجرا را به فاطمه سلام الله علیها گفت. فاطمه و افراد خانواده‌اش همان اندک غذا را به آن میهمان فقیر دادند، و خود در تاریکی در کنار سفره، دهان خود را تکان می‌دادند تا فقیر گمان کند که آنها نیز همراه او غذا می‌خورند، فقیر از آن غذا خورد و سیر شد و در حالی که گمان می‌کرد فاطمه سلام الله علیها و افراد خانواده‌اش نیز سیر شدند.^۳

همسراری حضرت زهرا سلام الله علیها

پیامبر هنگام عروسی زهرا سلام الله علیها به او فرموده بود: "دخترم! با همسرت رفتار نیکو کن، و در هیچ کاری از دستورش سرپیچی نکن." این سخن همواره آویزه گوش حضرت زهرا سلام الله علیها بود، او حدود نه سال که همسر علی (ع) بود، هرگز علی (ع)

۱. شهید ثانی، منیة المرید، ص ۲.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۹۱.

۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۹، ص ۶۰.

را ناخشنود نکرد، بلکه همواره مایه نشاط و خشنودی علی علیه السلام می‌شد، واندوه علی علیه السلام با دیدار حضرت زهرا سلام الله علیها برطرف می‌گشت، در این راستا، حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: "سوگند به خدا من زهرا سلام الله علیها را تا آن هنگام که خداوند او را به سوی خود برد، خشمگین نکردم، او نیز مرا خشمگین نکرد، و هیچ گاه موجب ناخشنودی من نشد."^۱

بی‌توقعی زهرا سلام الله علیها از همسرش

بی‌توقعی زهرا سلام الله علیها از همسرش علی علیه السلام در حدی بود که در طول نه سال زندگی مشترک همسری، حتی برای یک بار، تقاضای مادی از علی علیه السلام نکرد، روزی به خانه حضرت زهرا سلام الله علیها غذا نرسید، حضرت زهرا سلام الله علیها اندوخته غذایی خود را به کودکان گرسنه‌اش داده بود، و خود شب را گرسنه‌تر از آنها به سر برد، علی علیه السلام بامداد آن شب، از حضرت زهرا سلام الله علیها تقاضای غذا کرد، حضرت زهرا سلام الله علیها ماجرا را به عرض علی علیه السلام رسانید، علی علیه السلام فرمود: "در چنین وضعی چرا به من نگفتی تا به جستجوی غذا بپردازم؟" فاطمه سلام الله علیها در پاسخ گفت: من از خدایم شرم کردم که موجب شوم تا شما خود را در فشار قرار دهی، و بر چیزی که مقدورت نیست، خود را به زحمت افکنی."^۲

سیره عبادی حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها

عبادت حضرت فاطمه‌زهرا یک عبادت خشک و بی‌روح نبود، بلکه توأم با خشوع و خلوص بود که این‌گونه عبادت سازنده و باعث تکامل روح است.

لذا آنچه اهمیت دارد کیفیت و روح عبادت است. حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها وقتی در محراب عبادت قرار می‌گرفت دگرگون می‌شد و خشیت الهی سراسر وجودش

۱. إربلی، کشف الغمّه، ج ۱، ص ۴۹۱ و ۴۹۲.

۲. علی بن عیسیٰ إربلی، کشف الغمّه، ج ۲، ص ۲۷ و ۲۸.

را فرا می‌گرفت، ستون‌های بدنش به لرزه در می‌آمد و اشکهای سوزانش جاری می‌شد. او با تمام وجود در محضر خدا قرار می‌گرفت.^۱

حجاب حضرت زهرا

سیره حضرت زهرا درباره حجاب و حریم بسیار حساس بود. آن حضرت در رعایت فرمان الهی در رابطه با حجاب و فاصله نامحرم بی‌نظیر بود. چنان به این موضوع پایبند بود که هنگام بیماری و در بستر شهادت، یکی از غصه‌های او این بود که پس از ارتحال، مبادا بدن او را به گونه‌ای حمل کنند که نامحرم حجم آن را ببیند.^۲

ساده زیستی

سلمان فارسی می‌گوید: روزی حضرت فاطمه سلام الله علیها را دیدم که چادری وصله‌دار و ساده بر سر داشت. در شگفتی ماندم و گفتم عجب! دختران پادشاهان ایران و قیصر روم بر کرسی‌های طلایی می‌نشینند و پارچه‌های زربافت به تن می‌کنند. وه که این دختر رسول خداست! نه چادرهای گران قیمت بر سر دارد و نه لباس‌های زیبا!! حضرت فاطمه علیها السلام پاسخ دادند: ای سلمان! خداوند بزرگ، لباس‌های زینتی و تخت‌های طلایی را برای ما در روز قیامت ذخیره کرده است.^۳

اطاعت از همسر

روزی امام علی علیه السلام وارد منزل شدند و فرمودند: «فاطمه جان! خلیفه و عمر در پشت در خانه، منتظر اجازه ورود می‌باشند، تا نظر شما چه باشد؟» حضرت زهرا علیها السلام در برابر شوهر فرمود: علی جان! خانه، خانه توست و من همسر تو می‌باشم. هر آنچه می‌خواهی انجام ده.^۴

۱. بطحائی گلپایگانی، فاطمه کوثر رسالت.

۲. خمینی، روح‌ا...، ولایت فقیه.

۳. دشتی، فرهنگ سخنان فاطمه زهرا سلام الله علیها.

۴. همان، ص ۱۳.

با وجود اینکه دین اسلام برای بسیاری از امور زندگی ما برنامه دارد، اما به نظر می‌رسد برای نهادینه کردن سیره ائمه (علیهم‌السلام)، ابتدا بایستی عملکرد ائمه (علیهم‌السلام) خصوصاً حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها در مورد مصادیق مختلف زندگیشان مورد بررسی قرار گرفته و سیره آنان در حوزه‌های مختلف، استخراج و به صورت کاربردی در اختیار مردم قرار گیرد.

من حیث المجموع حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها منشور رستگاری امت اسلامی، مربی و معلم اخلاق کاملی هستند که جامعه و بخصوص جوانان می‌توانند زندگی او را به عنوان الگوی برتر برای رفتار و معاشرت خود انتخاب و در خانواده نهادینه نمایند.

ج - تثبیت انجماد رفتارهای جدید

حرکت برنامه‌ریزی شده جریان فمینیستی صرفاً با معرفی مصادیق مختلف زندگی الگوی مورد نظر، متوقف نخواهد شد. لذا لازم است که عمل به رفتارهای الگوی معرفی شده در بین افراد جامعه نهادینه گردد.

به نظر می‌رسد در حال حاضر تمام مراکز فرهنگی می‌توانند در شناساندن و نهادینه کردن برخی از ابعاد وجودی آن بانوی بزرگوار به زنان و بخصوص جوانان عزیز کشورمان سهم بزرگی را داشته باشند. بدین معنی که مراکز علمی و تحقیقاتی رفتار و سیره حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها را در مورد مصادیق مختلف زندگی مورد بررسی قرار داده و به صورت کاربردی در اختیار مردم قرار دهند. همچنین مراکز مشاوره خانواده نیز با الگو قرار دادن شخصیت وجودی آن حضرت نقش قابل توجهی در تثبیت رفتارهای جدید در بین خانواده‌ها ایفا نمایند.

د - نگهداری رفتارهای احیا شونده

در درجه اول باید قبول کنیم که کم کاری حوزه‌های فرهنگی یکی از عواملی است که موجب بروز آسیب‌های اجتماعی در جامعه شده است. لذا به نظر می‌رسد چنانچه

جامعه بخواهد روش الگو پذیری از شخصیت وجودی و رفتارهای قرآنی حضرت زهرا سلام الله علیها را هموارکند بایستی تمام حوزه‌های فرهنگی تلاش مضاعفی را به کار ببرند.

تشویق و ترغیب یکی از عواملی است که در تثبیت رفتارهای اجتماعی موثر می‌باشد. به طور نمونه از بانوانی که در کیفیت، رنگ، اندازه و جنس پوشش خود حدود شرعی را رعایت کرده و با تاسی به حضرت زهرا سلام الله علیها حجاب کامل را رعایت نموده و از حضور در محیط خلوت با نامحرم اجتناب می‌کنند، تقدیر بعمل آید. زنان و مردان شاغلی که در محیط کار، حریم عفت و نجابت را رعایت می‌نمایند و در تعامل با افراد نامحرم نسبت به صحبت‌های غیرضروری و مزاح و شوخی بی‌مورد خویشنداری می‌کنند، بعنوان کارگزار نمونه معرفی گردند.

در کنار این قبیل اقدامات و برای تثبیت و احیاء رفتارهای جدید لازم است که متولیان امور در یک تشکیلات منسجم فرهنگی همواره باید توجه داشته باشند که دانش آموزان، معلمان، دانشجویان، استادان، کارمندان و سایر افراد جامعه که به نحوی از انحاء سیره حضرت فاطمه سلام الله علیها را الگوی زندگی خود قرار داده و آنرا ترویج می‌کنند، همانند برگزیدگان رشته‌های مختلف به جامعه معرفی گردند، تا شاهد نهادینه شدن سیره حضرت فاطمه سلام الله علیها در بین اقشار مختلف جامعه باشیم.

خلاصه

جوامع کنونی با تنوع و تعداد بی‌شماری از آسیب‌های اجتماعی مواجه هستند که از بین آنها می‌توان موضوع فمینیسم را منشاء بسیاری از مشکلات فرهنگی عنوان نمود. در این مقاله مراحل بوجود آمدن قدرت فمینیسم‌ها در کشورهای جهان سوم و همچنین اصول احیاء مجدد رفتارهای ارزشی با بهره‌گیری از دو الگوی مدیریتی متفاوت مورد بررسی قرار گرفت.

با زیر سوال رفتن ارزشهای معنوی جامعه، جمع‌آوری ثروت، شهرت، استقلال فردی بعنوان یک ارزش مطلق معرفی شد به گونه‌ای که هر اقدامی برای رسیدن به این ارزشها قابل توجیه بود. سقف شیشه‌ای بعنوان مانع نامرئی برای پیشرفت زنان، پله برقی شیشه‌ای وسیله برای رشد مردان و نقش کلیشه‌ای نیز برای تحمیل وظایف روتین و معمولی به زنان، مجموعه انتقادهایی بود که فمینیست‌ها برای بیان روحیه زن ستیزی مردان در اداره و خانواده مطرح می‌کردند.

نگارنده بر این باور است که انحراف از فرهنگ اسلامی و فاصله گرفتن از سبک زندگی ائمه علیهم‌السلام مبداء و منشاء بسیاری از مشکلات فردی، خانوادگی و اجتماعی است و در صورتی که مصادیق مختلف زندگی حضرت فاطمه سلام الله علیها به صورت کاربردی در اختیار مردم قرار گیرد و این مصادیق در رفتار افراد جامعه تثبیت و نهادینه گردد، با آسیب‌های اجتماعی کمتری روبرو خواهیم شد.

منابع

- احمدی، حبیب‌سعیده گروسی؛ ۱۳۸۳؛ "بررسی تاثیر برخی عوامل اجتماعی و فرهنگی بر نابرابری جنسیتی در خانواده‌های شهر کرمان و روستاهای پیرامون آن؛ تهران، فصلنامه مطالعات زنان، سال دوم، شماره ۶.
- اسحاقی، سیدحسین، فمینسم، توطئه غرب علیه زنان، ۱۳۸۹.
- بطحائی گلپایگانی، سیدهاشم، فاطمه کوثر رسالت، قم: روحانی ۱۳۸۰.
- مکنون، ثریا. حقوق زن در اسلام و مقایسه‌ی آن با دیدگاه بین‌المللی حقوق بشر.
- جوادی آملی، عبدالله، ابعاد علمی و عملی شخصیت حضرت زهرا سلام الله علیها، مجله الکترونیک اسرا سال ۱۳۸۸ شماره ۳۳.
- پورکیانی، مسعود - شعاعی، فاطمه، مشکلات شغلی زنان در پست‌های مدیریتی.
- زیبایی نژاد، محمد رضا، فمینسم، کانون گفتمان دینی مرکز مطالعات و تحقیقات زنان حوزه علمیه قم.
- زین الدین علی بن احمد عاملی، شهید ثانی، مُنیة المرید.
- شریعتی، علی، زن در چشم و دل محمد، انتشارات بنیاد فرهنگی.
- علامه مجلسی، بحارالانوار.
- علامه طبرسی، مجمع البیان، ج ۹، ص ۶۰.
- محمدی، عبدالله، دین و فمینسم، سایت پژوهشکده باقر العلوم.
- معصومه موسوی تاریخچه مختصر تکوین نظریه‌های فمینستی، کتاب توسعه.
- نادر، «اخلاق، انسان و هم‌جنس گرایی»، آوای زن، سال هفتم، ش ۳۰، پاییز ۱۹۹۷.
- توحیدی، نیره. «فمینسم اسلامی، چالشی دمکراتیک یا چرخشی تئوکراتیک»، کنکاش، ش ۱۳.
- شفیعی سروستانی، ابراهیم. جریان‌شناسی دفاع از حقوق زنان، مؤسسه فرهنگی کار، قم، چاپ باران.
- خمینی، روح‌ا...، ولایت فقیه، چاپ هشتم، تهران، مؤسسه نشر آثار امام ۱۳۷۸.
- دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها.
- روتلیج، فمینسم و دانش‌های فمینستی.
- عباسی، طیب، سیره فاطمی، الگوی جاویدان.
- کامیلیا عبدالفتاح، سیکو لوجیة المرأة العاملة، القاهرة، مكتبة القاهرة الحديثة، ۱۹۷۲.
- محمدی اشتهاردی، محمد، نگاهی به سیره رفتاری حضرت زهرا سلام الله علیها.
- زیبایی‌نژاد، محمد رضا. سبحانی، محمد تقی. درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام.

علل شکل گیری نفاق در جامعه دینی و پیامدهای آن در بیان حضرت زهرا سلام الله علیها -

قاسم بستانی، نصره باجی

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال یازدهم، شماره ۴۳ «ویژه پژوهش های فاطمی»، تابستان ۱۳۹۳، ص ۱۳۰-۱۴۳

علل شکل گیری نفاق در جامعه دینی و پیامدهای آن در بیان حضرت زهرا سلام الله علیها

قاسم بستانی *

نصره باجی **

چکیده: از جمله موضوعاتی که پس از رحلت پیامبر ﷺ رخ داد، مسئله نفاق و منافقان در جامعه اسلامی بود که باعث شد در جامعه اسلامی تازه تأسیس، تاخت و تاز کنند و در نهایت موجب پریشانی اوضاع جامعه و مسلمانان شدند. اما موضع فاطمه سلام الله علیها در این خصوص چه بوده است؟ آیا ایشان ساکت از کنار اختلافات گذشت یا آن که به مسلمانان عواقب تلخ این اوضاع را گوشزد کرد. در این مقاله سعی می شود ابعاد فعالیت ها و اقدامات مختلف حضرت فاطمه سلام الله علیها در این زمینه ترسیم شود.

کلیدواژه ها: فاطمه سلام الله علیها / جامعه اسلامی / نفاق.

*. دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز.

** . دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث baji.nasra@yahoo.com

۱. مقدمه

بیماری اخلاقی نفاق، درد همیشگی انسان‌ها و ملت‌ها بوده است و منافق خاری خلیده در جان گروه‌ها و اجتماعات بشری می‌باشد. زشتی این بیماری و اثرهای زیانبارش در جوامع بشری و بیش از آن در روان و جان مبتلای به آن، منشأ نکوهش آن در قرآن و سیره معصومان علیهم‌السلام شده است. حضرت فاطمه سلام الله علیها از نزدیک شاهد حوادث صدر اسلام بود و خود نیز در برخی از آنها نقش اساسی و حساس داشت. از جمله این حوادث و جریانات، پدیده نفاق بود که بعد از رحلت پیامبر علناً آشکار شد، عده‌ای فرصت طلب بعد از رحلت پیامبر مدعی جانشینی آن حضرت شدند، ریاست جامعه اسلامی را به دست گرفتند و باعث بروز پیامدهایی ناگوار بر امت اسلامی و مسلمانان شدند. فاطمه سلام الله علیها که با بینش عمیق خود آینده جامعه اسلامی را به عیان در آینه آن رویدادها می‌دید، در جمع مهاجران و انصار سخنانی ایراد کرد و نسبت به علل بروز چنین حادثه‌هایی و پیامدهای آن هشدار داد.

این مقاله می‌کوشد به بررسی بخشی از این موضع‌گیری‌ها و نظرها و اقدامات ایشان در خصوص موضوعات مطرح شده بپردازد.

۲. تعریف نفاق و منافق

۲-۱. نفاق و منافق در لغت

ماده «ن، ف، ق» در لغت عرب برای دو معنای اصلی و چندین معنای فرعی به کار رفته است. دو معنای اصلی آن، یکی «تمام و فنا شدن» و معنای دوم «پوشیده و پنهان داشتن» است (جوهری/اسماعیل)، ۱۵۶۰/۴؛ زبیدی/۴۳۱/۲۶؛ ابن فارس ۴۵۴/۵؛ فیروزآبادی، ۱۳۱۸ق، ذیل نفق). این معنا - معنای دوم - از واژه «نافقاء» گرفته شده؛ و آن یکی از لانه‌های موش دو پا است که آن را مخفی نگه می‌دارد و لانه دیگر را آشکار می‌سازد، که در صورت وحشت و خطر، از یکی می‌گریزد و در دیگری پنهان می‌شود (ابن منظور ۴۵۰۹/۶). سپس

این معنا مورد استفاده قرار گرفته و تونل و راه زیرزمینی را «نفاق» گفته‌اند. برخی نیز احتمال داده‌اند که این دو معنا، به یک دیگر بازگشته، یک ریشه دارند (ابن فارس ۴۵۵/۵). به گفته برخی از زبان‌شناسان؛ عرب ماده و هیئت‌های گوناگون «نفاق» را برای انسان به کار نمی‌برد و تنها پس از کاربرد قرآنی آن، معنای این واژه در ادبیات عرب توسعه یافت (فیروزآبادی، ۱۱۹۵/۱. ماده نفاق). راغب نیز نفاق را وارد شدن در دین از سویی، و بیرون رفتن از آن از سوی دیگر می‌داند (راغب اصفهانی، ۸۱۹/۱. ماده نفاق).

۲-۲. نفاق و منافق در اصطلاح

نفاق به معنای تظاهر به اسلام و پنهان داشتن کفر است. با این تعبیر، منافق شخصی است دو روی و دو چهره؛ که به اسلام تظاهر می‌کند ولی کفری است که کفرش را مخفی داشته و ایمان ظاهری‌اش را با زبان علنی می‌سازد. خداوند می‌فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ» (بقره/۸) (و برخی از مردم می‌گویند ما به خدا و روز باز پسین ایمان آورده‌ایم ولی گروندگان [راستین] نیستند). در سوره توبه نیز فرموده است: «وَيَخْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْهُمْ لَمِنْكُمْ وَمَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْرُقُونَ» (توبه/۵۶) (و به خدا سوگند یاد می‌کنند که آنان قطعا از شما نیستند لیکن آنان گروهی هستند که می‌ترسند). نفاق در معنای اصطلاحی خود در مقابل «تقیه» قرار می‌گیرد، چرا که نفاق یعنی تظاهر به ایمان و مخفی داشتن کفر، در حالی که تقیه بر تظاهر به کفر و پنهان نمودن ایمان اطلاق می‌گردد (فیروزآبادی ۱۱۹۶/۱، ماده نفاق).

۳. نفاق و منافقین در قرآن

در قرآن کریم، در آیات متعددی، از نفاق و منافقین یاد شده است، از جمله در آیات ۱۴۱ تا ۱۴۳ سوره نساء که آنان را بدین ترتیب توصیف می‌کند: فرصت طلب که هر زمان خود را به یک گروه می‌بندد، خدعه‌گر و ریاکار، بی‌خبر و دور از یاد خدا، سرگردان و گمراه.

در این آیات، می بینیم خداوند منافقان را نه از دشمنان خارجی که در خط کفر هستند معرفی نموده، و نه از مؤمنان، اینان هدفی جز ریاست و جاه و مقام در سر ندارند و با دستیابی به مقصد خود، ناچار چهره واقعی دین و مکتب را هر چند به تدریج باشد، تابع خواسته خود خواهند کرد، و از دین هر چه به ریاست آنان لطمه وارد نمی کرد گرفته و آنچه را که مانع راهشان است سرکوب می کنند.

۴. علل و انگیزه های نفاق از دیدگاه فاطمه سلام الله علیها

۴-۱. رحلت پیامبر

فاطمه سلام الله علیها به رحلت پیامبر ﷺ اشاره می کند و به بیان حوادثی می پردازد که بعد از رحلت پیامبر اتفاق افتاد. ایشان سلام الله علیها می فرمایند:

«فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ أَنْبِيَائِهِ وَ مَأْوَى أَصْفِيَائِهِ ظَهَرَ فِيكُمْ حَسَكَةُ النِّفَاقِ سَمَلُ جِلْبَابِ الدِّينِ وَ نَطَقَ كَاظِمُ الْغَاوِينَ وَ تَبَغَّ خَامِلُ الْأَقْلِينَ وَ هَدَرَ فَنِيْقُ الْمُبْطِلِينَ - فَخَطَرَ فِي عَرَصَاتِكُمْ وَ أَطْلَعَ الشَّيْطَانُ رَأْسَهُ مِنْ مَغْرَزِهِ هَاتِفًا بِكُمْ فَأَلْفَاكُمْ لِدَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِينَ وَ لِلْعِزَّةِ فِيهِ مَلَا حِطِينَ... ثُمَّ لَمْ تَلْبَثُوا إِلَّا رَيْثَ أَنْ تَسْكُنَ نَفَرَتَهَا وَ يُسَلَّسَ قِيَادَهَا ثُمَّ أَخَذْتُمْ تُورُونَ وَ قَدَّتْهَا وَ تَهَيَّجُونَ جَمْرَتَهَا وَ تَسْتَجِيبُونَ لِهَتَافِ الشَّيْطَانِ الْغَوِيِّ وَ إِطْفَاءِ أَنْوَارِ الدِّينِ الْجَلِيِّ وَ إِهْمَالِ سُنَنِ النَّبِيِّ الصَّغِيِّ تَشْرَبُونَ حَسَوًا فِي ارْتِغَاءٍ وَ تَمْشُونَ لِأَهْلِهِ وَ وَلَدِهِ فِي الْخَمْرَةِ وَ الضَّرَاءِ وَ نَصَبِ مَنْكُمْ عَلَى مِثْلِ حَزِّ الْمَدَى وَ وَخَزِ السَّنَانِ فِي الْحَشَا» (ابن طیفور، ص ۲۵ و نیز: جوهری (احمد)، ص ۱۴۳؛ مغربی ۳/۳۵؛ ابن طیفور، ص ۲۵؛ طبری آملی، ص ۱۵، ابن مردویه، ص ۲۰۲؛ طبرسی ۱/۱۰۱؛ ابن ابی الحدید ۱۶/۲۵۰؛ ابن طاووس، ص ۲۶۴؛ اربلی ۱/۴۸۷؛ ابن دمشقی ۱/۱۵۹؛ شامی، ص ۴۷)

هنگامی که خداوند برای پیامبرش، خانه انبیاء و منزلگاه اصفیا را برگزید، خار و خاشاک نفاق که در دل ها بود، آشکار شد لباس دین پوشیده شد و گمراهان ساکت زبان گشودند، فرومایگان گمنام با قدر و منزلت شدند و اهل باطل به صدا در آمدند و در خانه ها و قلمرو شما به تکاپو پرداختند. شیطان سر خویش را از مخفی گاه خود بیرون آورد و شما را به سوی خود فرا خواند و شما را به دعوت خود پذیرا یافت، و دید که برای اینکه فریب او را بخورید آماده اید... سپس درنگ نکردید مگر به مقدار آرام شدن

فتنه و جای گرفتن قلاده آن، که شروع نمودید در برافروختن شعله‌های فتنه و برانگیختن هیزهای آن، و ندای شیطان مکار را اجابت کردید و شروع به خاموش کردن انوار دینی روشن و بی‌اعتنایی به سنتهای پیامبر برگزیده نمودید به ظاهر طرفداری از دین می‌نمایید در حالیکه در باطن به نفع خود عمل می‌کنید، و نسبت به اهل بیت و فرزندان با حيله و نیرنگ رفتار می‌کنید. ما در مقابل اذیت‌های شما صبر می‌کنیم مانند صبر کسی که با چاقوهای بزرگ و پهن اعضایش را قطعه قطعه کنند و تیزی نیزه را در بدنش فرو برند!

۴-۲. سستی و بی‌تفاوتی یاران پیامبر ﷺ

فاطمه سلام الله عليها در قسمت دیگر بر سر بی‌تفاوتان و سست عنصران فریاد می‌زند که چرا در برابر حق بی‌تفاوتید؟ در این باره فرمود: «يَا مَعْشَرَ النَّبِيِّينَ وَ أَعْضَادَ الْمَلَّةِ وَ حَضَنَةَ الْإِسْلَامِ مَا هَذِهِ الْغَمِيزَةُ فِي حَقِّي وَ السَّنَةُ عَنْ ظُلَامَتِي؟ أَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَبِي يَقُولُ الْمَرْءُ يُحْفَظُ فِي وَلَدِهِ؟» (ابن طیفور، ص ۲۹ و نیز: طبرسی ۱۰۲/۱؛ تبریزی انصاری، ص ۶۵۶؛ بحرانی اصفهانی ۶۷۲/۱؛ نقدی، ص ۲۹۷؛ قیومی، ص ۲۳۴)

ای گروه بزرگان و ای بازوان توانای ملت، و ای نگهداران دین، این چه رفتار سست و سبکی است که ظالمانه در حق من روا داشته‌اید؟ مگر پدرم؛ رسول خدا ﷺ نفرموده بود: «مراعات هر شخصی در فرزندان اوست»؟

۴-۳. بی‌ایمانی و پیمان‌شکنی

بدیهی‌ست ایمان ظاهری ارزشی ندارد و تظاهر به اسلام و ایمان بدون ایمان قلبی درونی، دورویی و نفاق است، یکی از علل انحراف مردم و کودتاگران سقیفه، بی‌ایمانی و پیمان‌شکنی یا عدم تداوم ایمان و استقامت بود. در این باره فاطمه سلام الله عليها فرمود: «فَأَنِّي حُزْتُمْ بَعْدَ الْبَيَانِ وَ أَسْرَرْتُمْ بَعْدَ الْإِعْلَانِ وَ نَكَصْتُمْ بَعْدَ الْإِقْدَامِ وَ أَشْرَكْتُمْ بَعْدَ الْإِيمَانِ بُوَسْأَةِ لِقَوْمٍ لَقَوْهُمْ نَكَلُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ» (ابن طیفور، ص ۳۰ و نیز: طبرسی ۱۰۲/۱؛ بحرانی اصفهانی ۶۷۲/۱؛ تبریزی انصاری، ص ۶۵۶؛ نقدی، ص ۲۹۷؛ قیومی، ص ۲۳۴) (پس چرا بعد از بیان ایمان و اقرار به آن،

حیران و مضطرب شدید و پس از آن همه همکاری با اسلام و یاری و کمک خود را پنهان می‌دارید؟ و چرا بعد از آن پیشقدم بودن‌ها عقب نشستید؟ و چرا بعد از ایمان مشرک شدید؟ چه بد قوم و گروهی هستند کسانی که بعد از عهد و پیمان سوگندهایشان را می‌شکنند).

۴-۴. ماجرای سقیفه بنی ساعده

در این باره داستان‌هایی در تاریخ آمده، که از ذکر جزئیات آن خودداری می‌شود، ولی اجمالاً آنچه که اتفاق افتاد و بیشتر مورخین نقل کرده‌اند، این است که: بعد از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حالی که هنوز علی علیه السلام مشغول غسل دادن پیغمبر بود، ابتدا جمعی از انصار از طایفه خزرج در سقیفه بنی ساعده جمع شدند تا جانشینی پیغمبر را در قبیله خودشان متمرکز کنند. وقتی طایفه اوس متوجه شدند، آن‌ها هم آمدند. خبر به مهاجرین که رسید و چند نفر از آن‌ها هم به جمع انصار پیوستند، کار به جایی رسید که با یکدیگر کتک کاری کردند و به روی هم شمشیر کشیدند. سرانجام مهاجرین غالب شدند. اوس و خزرج نیز چون با هم رقابت داشتند و هیچ کدام زیر بار دیگری نمی‌رفتند، با آنها بیعت کردند (ابن هشام ۱۰۷۳/۴؛ ابن قتیبه ۱۳/۱؛ ابن حنبل ۵۵/۱؛ بخاری ۱۰۲/۳؛ یعقوبی ۱۲۳/۲؛ طبری ۴۴۳/۲؛ ابن عساکر ۵۵/۱۷؛ ابن اثیر ۱۸۹/۵؛ ابن کثیر ۲۶۶/۵؛ ابن خلدون ۲۹۴/۲).

می‌خواهیم بدانیم که چرا کار اصحاب پیغمبر به اینجا کشید که عهدشان را فراموش کردند؟

فاطمه سلام الله علیها خطبه فدک درباره علت این رویداد می‌فرماید: «ابْتَدَأَ زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ» برای این کار عجلوانه چنین دلیل آوردید که «می‌ترسیم با رحلت پیامبر فتنه‌ای بین مسلمانان ایجاد شود» حضرت در اینجا هماهنگ با آیه سوره توبه می‌فرماید: «أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ» (توبه: ۴۹).

همچنین در کلامی دیگر خطاب به ام سلمه، با بیان گوشه‌ای دیگر از ماجراهای پشت پرده کودتای سقیفه، و عوامل و اسباب پنهان این توطئه را برملا می‌سازد. حضرت در

پاسخ به ام سلمه که احوال دختر پیامبر خدا، را پرسید می فرماید: «أَصْبَحْتُ بَيْنَ كَمَدٍ وَ كَرْبٍ، فَقَدْ النَّبِيُّ ﷺ وَ ظَلَمَ الْوَصِيَّ وَ [هَتَكَ] وَ اللَّهُ حُجْبُهُ أَصْبَحْتُ إِمَامَتَهُ مُقْتَصَّةً عَلَى غَيْرِ مَا شَرَعَ اللَّهُ فِي التَّنْزِيلِ وَ سَنَهَا النَّبِيُّ فِي التَّأْوِيلِ وَ لَكِنَهَا أَحْقَادُ بَدْرِيَّةٍ وَ تَرَاتُ أُحْدِيَّةٌ كَانَتْ عَلَيْهَا قُلُوبُ النِّفَاقِ مُكْتَمِنَةً لِلإِمْكَانِ الْوُشَاةِ، فَلَمَّا اسْتَهْدَفَ الْأَمْرُ أَرْسَلَتْ عَلَيْنَا شَائِبَ الْأَثَارِ مِنْ مَخِيلَةٍ الشَّقَاقِ، فَيَقْطَعُ وَتَرَّ الْإِيْمَانُ مِنْ قِسِيٍّ صُدُّوْهَا وَ لَيْسَ عَلَى مَا وَعَدَ اللَّهُ مِنْ حِفْظِ الرِّسَالَةِ وَ كَفَالَةِ الْمُؤْمِنِينَ أَحْرَزُوا عَائِدَتَهُمْ غُرُورَ الدُّنْيَا بَعْدَ انْتِصَارٍ مِمَّنْ فَتَكَ بِأَبَائِهِمْ فِي مَوَاطِنِ الْكُرُوبِ وَ مَنَازِلِ الشَّهَادَاتِ» (ابن شهر آشوب ۲/۲۰۵؛ دیلمی، ص ۳۱۹؛ مجلسی ۴۳/۱۵۶؛ تبریزی انصاری، ص ۸۴۹؛ رحمانی همدانی، ص ۷۴۵؛ شاهرودی ۱۴۵/۶)

صبح کردم در حالی که میان غم و اندوه بودم، پیامبر ﷺ از دست رفت و وصی او مظلوم واقع شد! به خدا قسم گویا چادر از سرش کشیده شده است؛ آنکه امامش به گونه ای مظلوم شود که نه طبق دستور خدا با او عمل شود و نه طبق وصیت پیامبر. آنچه (این قوم) با علی علیه السلام کردند، تنها با کینه های جنگ بدر و احد سازگاری داشت که در دل های منافقان تا به حال پنهان بود و هر لحظه احتمال این فتنه می رفت و اکنون که پیامبر خدا ﷺ از دنیا رفته، آن کینه ها علنی شده اند و چه مصیبت ها که از بدبختی خودشان بر سر ما می آورند! آنان رشته عهد و پیمان خود را (با پیامبر) گسیختند و چه بد موضعی در برابر وعده الهی بر حفظ رسالت و سرپرستی مومنان نشان دادند! و چه بد فریب دنیای فانی را خوردند. پس از پیروزی اسلام و مسلمین، دوباره از امیرالمؤمنین اعراض نمودند؛ چرا که علی دلیرانه پدران و اجداد مشرک و کافر آنها را در عرصه های مختلف جنگ و دلیری به هلاکت رسانده است).

۵. پیامد نفاق در کلام فاطمه سلام الله علیها

فاطمه سلام الله علیها با علم و دانش خدادادی و با نگرشی ژرف به امور و بصیرت الهی، آینده جامعه مسلمانان را در صورت وقوع فتنه به عیان مشاهده می کرد، او به حق در این باره می فرماید:

حضرت علی (علیه السلام) نتایج کنار زدن امام علی (علیه السلام) را این گونه بیان می کند:

«وَيَحْجُمُ أَنَّى زَعَرُوهَا عَنْ رَوَاسِي الرِّسَالَةِ وَفَوَاعِدِ النُّبُوَّةِ وَالدَّلَالَةِ وَمَهْبِطِ الرُّوحِ الْأَمِينِ وَ الطَّيِّبِينَ بِأُمُورِ الدُّنْيَا وَ الدِّينِ إِلَّا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ... وَيَحْجُمُ "أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يَتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِي فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ" (يونس/ ۳۵) أَمَا لَعَمْرِي لَقَدْ لَحِثْتُ فَنَظَرْتُ رَيْثِمًا تُنْتَجُ ثُمَّ احْتَلَبُوا مِلءَ الْقَعْبِ دَمًا عَيْبُطًا وَ دَعَا فَا مَبِيدًا هُنَالِكَ يَخْسَرُ الْمُبْطِلُونَ وَ يَعْرِفُ الْبَاطِلُونَ غَيْبَ مَا أُسِّسَ الْأَوَّلُونَ ثُمَّ طَبِئُوا عَنْ دُنْيَاكُمْ أَنْفُسًا وَ أَطْمَأَنَّاوُا لِلْفِتْنَةِ جَاشًا وَ أَبْشَرُوا بِسَيْفٍ صَارِمٍ وَ سَطْوَةٍ مُعْتَدٍ غَاشِمٍ وَ بَهْرَجَ شَامِلٍ وَ اسْتَبَدَّ مِنَ الظَّالِمِينَ يَدْعُ فَيْئَكُمْ زَهِيدًا وَ جَمْعَكُمْ حَصِيدًا فَيَا حَسْرَتِي لَكُمْ وَ أَنَّى بِكُمْ وَ قَدْ عَمِيتْ عَلَيْكُمْ أُنْزِلُكُمْ هَا وَ أَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ» (ابن طیفور، ص ۳۳ و ۳۴؛ نیز: جوهري (احمد)، ص ۱۱۸؛ صدوق، ص ۳۵۵؛ طوسی، ص ۳۷۶؛ طبری آملی، ص ۱۲۹؛ طبرسی ۱۰۹/۱؛ ابن ابی الحدید ۲۳۴/۱۶؛ شامی، ص ۴۸۳؛ اربلی ۴۹۳/۱)

آگاه باشید که به جانم سوگند این حکومتی که اینها درست کرده اند، تازه آبستن شده است، پس صبر کنید و در انتظار بمانید تا ببینید چه ثمره ای به بار می آورد، پس از آن به اندازه کاسه های بزرگ، (به جای شیر) خون تازه بدوشید و (به جای شیر) از آن سم مهلک بدوشید، آنگاه است که اهل باطل زیان می کنند، و آیندگان از نتیجه آنچه پیشینیان پایه گذارده اند آگاه می شوند (اکنون که به مراد خود رسیدید) خوش باشید برای دنیای خود، و قلبتان مطمئن باشد برای فتنه هایی که خواهد آمد، و قدرت متجاوززی که حداکثر ظلم و تعدی را روا می دارد، (و بشارت باد شما را) به هرج و مرجی که فراگیر است و همه جا را شامل، و بشارت باد شما را) به استبدادی از ظالمان که مقدار کمی از بیت المال را باقی می گذارد، به گونه ای که کسی در آن رغبت نمی کند، که جمع شما را درو کرده و نابود می نماید، پس حسرت و اندوه بر شما باد! و به کدامین سو هستید؟ راه حق و رحمت خدا بر شما گم شده است، آیا ما شما را وادار کنیم بر رحمت خدا (و صراط مستقیم)، حال آنکه خودتان کراهت دارید؟

۶. انتقاد شدید نسبت به روحیات مسلمانان

هنگامی که فاطمه سلام الله علیها بیمار شدند، همان بیماری که در آن وفات می کنند،

عده‌ای از زنان مهاجر و انصار به عیادت ایشان می‌آیند و در جواب آنها که پرسیده بودند: بیماری بر تو چگونه است؟ حضرت ﷺ بعد از حمد و ثنای الهی و درود بر پیامبر ﷺ می‌فرماید: أَصَبَحْتُ وَاللَّهِ عَائِفَةً لِدُنْيَاكَنَّ قَالِيَةً لِرَجَالِكُنَّ لَفْظَتُهُمْ بَعْدَ أَنْ عَجَمَتْهُمْ وَ سَمَّيْتُهُمْ بَعْدَ أَنْ سَبَرْتَهُمْ فَقَبْحًا لِقُلُولِ الْحَدِّ وَاللَّعِبِ بَعْدَ الْجِدِّ وَ قَرَعَ الصَّفَاةَ وَ صَدَعَ الْقَنَاءَ وَ خَتَلَ الْأَرَاءَ وَ زَلَلَ الْأَهْوَاءَ وَ يَبْسُ مَا قَدَّمْتَ لَهُمْ أَنْفُسَهُمْ أَنْ سَخَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ فِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ. (مائده/۸۰) (ابن طیفور، ص ۳۲ و نیز: جوهری (احمد)، ص ۱۱۷؛ ابن عقده کوفی، ص ۶۲؛ صدوق، ص ۳۵۴؛ طوسی، ص ۳۷۴؛ طبری آملی، ص ۶۲؛ طبرسی ۱۰/۱؛ شعیری، ص ۹۱؛ ابن ابی الحدید ۲۳۳/۱۶؛ اربلی ۴۹۲/۱؛ شامی، ص (۴۸)

در شرایطی صبح کردم که از دنیای شما متنفرم و از مردانتان غضبناکم، پس از آن که آنان را امتحان کردم، به دور افکندم. چه زشت است کنندی شمشیرها و سستی و بازی آنها پس از جدیتشان و ترک خوردن نیزه و پیدا شدن افکار نیرنگ‌آمیز و لغزش و هواهای نفسانی «چه عمل زشت و ذخیره بدی برای خود اندوختند و گرفتار غضب الهی و عذاب بی‌پایان شدند» بدون شک، طناب و ریسمان این مسئولیت در گردنشان خواهد بود و سنگینی و مسئولیت آن را به دوش آنان انداختم و ننگ و عار را بر آنها ریختم. پس بینی آنها را بریده و زخم خورده و دور از رحمت خدا باشند.

۷. مؤیدات از نگرانی‌های فاطمه سلام الله علیها از منافقین در بیانات پیامبر ﷺ

پیامبر ﷺ در لحظه‌های آخر عمر مبارکشان به اتفاق مورخان به شدت نگران و ناراحت بود، چون می‌دانست که به محض وفاتش، منافقان امت که منتظر فرصت بودند بیرون آمده، و آنچه که پیامبر پایه‌گذاری کرده، از میان خواهند برداشت. برای نمونه به برخی از روایاتی که در صحیح بخاری و دیگر کتب عامه آمده اکتفا می‌کنیم.

در برخی از این کتابها مانند صحیح بخاری و مسلم و سنن ابن ماجه و ترمذی بابی تحت «لَا تَرْجِعُوا بَعْدِي كُفَّارًا، يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ» آمده است، در این بابها روایاتی آمده که همه آن‌ها در همین مضمون و با چند طریق می‌باشند، از جمله این روایات:

(الف) ابن عمر نقل می‌کند که پیامبر فرمود: «لَا تَرْجِعُوا بَعْدِي كُفَّارًا، يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ

بَعْضٍ» (پس از من به کفر برنگردید که بعضی گردن بعضی دیگر را بزند) (ابن ابی شیبه ۷/ ۴۵۵
ابن حنبل ۴۳۰/۹؛ بخاری ۲۰/ ۳۴۹؛ مسلم ۸۲/۱؛ ابن ماجه ۵/ ۹۲؛ ابی داود ۷/ ۷۲؛ ترمذی ۴/ ۴۸۶؛ ابی یعلی ۹/ ۴۴۲؛ نسائی ۳/ ۴۶۵؛ ابن حبان ۱/ ۴۱۶؛ ابن بطله ۲/ ۷۴۱).

ب) ابن عمر همچنین نقل می‌کند که پیامبر در حجه الوداع به جریر فرمود: «اسْتَنْصِتِ
النَّاسَ» فَقَالَ «لَا تَرْجِعُوا بَعْدِي كُفْرًا يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ» (مردم را ساکت کن، سپس
فرمود: پس از من به کفر برنگردید که بعضی گردن بعضی دیگر را بزند) (ابن ابی شیبه ۷/ ۴۵۵؛
طیالسی ۵۲/۲؛ دارمی ۲/ ۱۲۲۴؛ ابن حنبل ۳۱/ ۵۷۳؛ بخاری ۵۰/۹؛ مسلم ۸۱/۱؛ نسائی ۵/ ۳۸۰؛ ابن حبان ۱۳/ ۲۶۸).

ج) صریح‌تر از اینها در نگرانی پیامبر، روایتی وارد شده، از سعید بن جبیر از ابن عباس
از پیامبر، که حضرتش بعد از وصف محشر فرمود: «ثُمَّ يُؤْخَذُ بِرِجَالِ مَنْ أَصْحَابِي ذَاتِ
الْيَمِينِ وَذَاتِ الشِّمَالِ فَأَقُولُ أَصْحَابِي فَيَقَالُ إِنَّهُمْ لَمْ يَزَالُوا مُرْتَدِّينَ عَلَى أَعْقَابِهِمْ مِنْذُ فَارَقْتَهُمْ،
فَأَقُولُ كَمَا قَالَ الْعَبْدُ الصَّالِحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ: "وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي
كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ" (مانده ۱۱۷)

سپس گروهی از اصحاب من در محشر به طرف راست و چپ از جایگاه من
منحرف می‌شوند، آنگاه می‌گویم اینها اصحاب من هستند کجا می‌روند؟ جواب می‌رسد
که، بعد از اینکه آنها را ترک کردی، به اعقابشان برگشت نمودند، پس همان سخنی را
می‌گویم که بنده صالح عیسی بن مریم گفت: «من به آنان جز آنچه تو فرمانم داده بودی
نگفتم. گفتم که الله پروردگار مرا و پروردگار خود را بپرستید. و من تا در میانشان بودم
نگهبان عقیدتشان بودم و چون مرا میرانیدی تو خود نگهبان عقیدتشان گشتی. و تو بر
هر چیزی آگاهی (ابن ابی شیبه ۷/ ۸۶؛ ابن حنبل ۱۴/ ۱۳۶؛ بخاری ۵۵۴/۸؛ مسلم ۴/ ۲۱۹۴؛ نسائی ۱۰/ ۱۸۷؛ ابی یعلی ۳/ ۸۳؛
ابن حبان ۱۶/ ۳۴۳؛ طبرانی، معجم کبیر ۹/ ۱۲).

طبق این روایات، هم نگرانی شدید پیامبر ثابت می‌شود و هم هشدار ایشان که نه
فقط رجال اصحاب مرتد می‌شوند، بلکه به حکم خطبه حجه الوداع، نگران اکثر
مسلمانان بود که در خطر ارتداد قرار می‌گیرند.

د) همچنین فرمودند: «لَيَغْشَيْنَّ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي فِتْنٌ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ، يُصْبِحُ الرَّجُلُ فِيهَا مُؤْمِنًا وَ يُؤْمِسِي كَافِرًا، وَ يُؤْمِسِي مُؤْمِنًا وَ يُصْبِحُ كَافِرًا، يَبِيعُ أَقْوَامٌ دِينَهُمْ بَعَرَضٍ مِنَ الدُّنْيَا قَلِيلٍ» (طبرانی، مسند الشاميين ۱۴۳/۳؛ حاکم نیشابوری ۴۳۸/۴؛ مقریزی ۳۳۴/۱۲؛ سیوطی ۴۹۶/۲؛ متقی هندی ۱۲۷/۱۱)

پس از من فتنه‌هایی همچون پاره‌های شب تار امت را فرا پوشاند، چندان که آدمی بر اثر آنها شب مؤمن باشد و روز کافر، روز مؤمن باشد و شب کافر. مردمانی دین خود را به اندک متاعی از دنیا می‌فروشند.

۸ نتیجه‌گیری

یکی از مهمترین رویدادهای صدر اسلام که در سرنوشت اسلام، تأثیر بسیار و غیر قابل انکاری داشته، مسئله نفاق در امت اسلامی و پیدایش منافقان پس از پیامبر بود که باعث پریشان شدن اوضاع مسلمین شد، و جایگاه خلافت از مسیری که پیامبر تعیین کرده بود تغییر داد. فاطمه سلام‌الله‌علیها پس از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، چندان عمری در همراهی با علی علیه‌السلام نداشتند و از فراق پدر و اندوه مصائب وارده به اسلام، دار فانی را زود وداع گفتند، اما بنا بر شواهد و مدارک موجود، در همین مدت کوتاه در گفتار و در عمل، از هیچ فرصتی برای توجه دادن به عواقب تلخ این اوضاع فرو گذاری نکرده و بدین‌گونه، برای آیندگان مدرکی غیرقابل انکار در محکومیت برخوردها و عملکردهای منافقانه بر جای نهاد.

منابع

۱. ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، چاپ دوم، بی‌جا، دار‌احیاء‌الکتب‌العربیة عیسی‌البابی‌الحلبی و شرکاه، ۱۳۸۷ق.
۲. ابن‌ابی‌شبیبة، عبد‌الله بن محمد، المصنف فی الأحادیث والآثار، تحقیق کمال یوسف الحوت، چاپ اول، مکتبه‌الرشد - الرياض، ۱۴۰۹ق.
۳. ابن‌اثیر، علی‌ابن‌ابن‌الکرم، اسد‌الغابه فی معرفة الصحابه، دار‌الکتاب‌العربی، بیروت.
۴. ابن‌بطه، عبیدالله بن محمد، الإبانة الکبری لابن‌بطه، تحقیق رضا معطی، عثمان‌الأتیوبی، یوسف‌الوابل، والولید بن سیف‌النصر، وحمد‌التویجری، دار‌الرایة للنشر والتوزیع، الرياض.

٥. ابن حبان، محمد بن حبان، **صحيح ابن حبان** بترتيب ابن بلبان، محقق شعيب الأرناؤوط، چاپ دوم، مؤسسة الرسالة، ١٤١٤ق، بيروت.
٦. ابن حنبل، أحمد بن حنبل، **مسند الإمام أحمد بن حنبل**، محقق شعيب الأرناؤوط وآخرون، چاپ دوم، مؤسسة الرسالة.
٧. ابن خلدون، عبد الرحمن ابن محمد، **تاريخ ابن خلدون**، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بيروت، ١٣٩١ق.
٨. ابن دمشق، شمس الدين ابی البركات، **جواهر المطالب فی مناقب الامام علی عليه السلام**، قم، مجمع إحياء الثقافة الاسلاميه، ١٤١٥ق.
٩. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، **مناقب آل أبي طالب عليه السلام**، علامه، ١٣٧٩ق، قم.
١٠. ابن طاووس حلي، علی بن موسی، **الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف**، بی جا، بی نا، ١٣٩٩ق.
١١. ابن طيفور، احمد بن أبی طاهر، **بلاغات النساء**، الشريف الرضي، بی تا، قم.
١٢. ابن عبد البر، يوسف بن عبدالله، **الاستذکار**، تحقيق سالم محمد عطا، محمد علی معوض، چاپ اول، دار الكتب العلميه، ٢٠٠٠م، بيروت.
١٣. _____، **التمهيد**، تحقيق مصطفى بن احمد العلوی، محمد عبدالکبير البکری، وزارة عموم الاوقاف و الشؤون الاسلاميه، ١٣٨٧ق.
١٤. ابن عساکر، علی بن حسن، **تاريخ مدينه دمشق**، تحقيق علی شیری، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، ١٤١٥ق، بيروت.
١٥. ابن عقده کوفی، احمد بن محمد، **فضائل أمير المؤمنين عليه السلام**، مصحح حرز الدين، عبد الرزاق محمد حسين، دليل ما، ١٤٢٤ق، قم.
١٦. ابن فارس، احمد، **معجم مقاييس اللغة**، تحقيق عبد السلام محمد هارون، دار الفكر، ١٣٩٩ق.
١٧. ابن قتيبه، عبدالله بن مسلم، **الامامه و السياسه**، تحقيق طه محمد الزيني، موسسه الحلبي و شركاه للنشر و التوزيع.
١٨. ابن كثير، اسماعيل ابن كثير، **البدایه و النهایه**، تحقيق علی شیری، دار احیاء التراث العربی، ١٤٠٨ق، بيروت.
١٩. ابن ماجه، محمد بن یزید، **سنن ابن ماجه**، محقق شعيب الأرناؤوط، عادل مرشد، محمد كامل قره بللی، عبد اللطيف حرز الله، دار الرسالة العالميه، چاپ اول، ١٤٣٠ق.
٢٠. ابن مردويه اصفهانی، احمد بن موسی، **مناقب علی ابن ابی طالب و ما نزل من القرآن فی علی لملك الحفاظ**، ج ٢، بی جا، دار الحديث، ١٤١٢ق.
٢١. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، تحقيق عبد الله علی الكبير، محمد أحمد حسب الله، هاشم محمد الشاذلی، دار المعارف، قاهره.
٢٢. ابن هشام، ابو عبدالله، **السیره النبویه**، تحقيق محمد محیی الدين عبدالحميد، مکتبه محمد علی صبيح و اولاده، ١٣٨٣ق، قاهره.

٢٣. ابو داود، سليمان بن الأشعث، سنن أبي داود، تحقيق شعيب الأرنؤوط - محمد كامل قره بللي، چاپ اول، دار الرسالة العالمية، ١٤٣٠ق.
٢٤. ابو يعلى، أحمد بن على، مسند أبي يعلى، محقق حسين سليم أسد، دار المأمون للتراث، دمشق، چاپ اولف ١٤٠٤ق.
٢٥. اربلى، على بن عيسى، كشف الغمة في معرفة الأئمة، مصحح رسولی محلاتی، سيدهاشم، بنی هاشمی، ١٣٨١ق، تبریز.
٢٦. بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله، عوالم العلوم و المعارف والأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال مستدرک سيدة النساء إلى الإمام الجواد، تصحيح موحد ابطحي اصفهانی، محمد باقر، مؤسسة الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، قم.
٢٧. بخاری، محمد بن إسماعيل، الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله ﷺ وسننه وأيامه، المحقق محمد زهير بن ناصر الناصر، چاپ اول، دار طوق النجاة، چاپ اول، ١٤٢٢ق.
٢٨. بروجردی، عبدالکريم، قسمت های از اسلام شناسی تاریخی، بی تا، بی نا.
٢٩. تبریزی انصاری، محمد بن علی، اللمعة البيضاء فی شرح خطبه الزهراء، قم، دفتر نشر الهادی، بی جا، بی نا، بی تا.
٣٠. ترمذی، محمد بن عيسى، سنن الترمذی، محقق بشار عواد معروف، دار الغرب الإسلامي - بیروت، ١٩٩٨م.
٣١. جوهری بصری، احمد بن عبد العزيز، السقيفة و فذك، مصحح امینی، محمدهادی، مكتبة نينوى الحديثة، بی تا، تهران.
٣٢. جوهری، إسماعيل بن حماد، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، تحقيق أحمد عبد الغفور عطار، دار العلم للملايين، ١٤٠٧ق، بیروت.
٣٣. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، تحقيق يوسف عبدالرحمن المرعشلی، بی نا، بی تا، بی جا.
٣٤. دارمی، عبد الله بن عبد الرحمن، سنن الدارمی، محقق حسين سليم أسد الدارانی، چاپ اول، دار المغنی للنشر والتوزيع، المملكة العربية السعودية، ١٤١٢ق.
٣٥. دیلمی، حسن بن محمد، غرر الأخبار، مصحح ضیغم، اسماعیل، دلیل ما، ایران؛ قم، ١٤٢٧ق.
٣٦. راغب الأصفهانی، حسين بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقيق صفوان عدنان الداودی، چاپ اول، دار القلم، الدار الشامیة ١٤١٢ق، دمشق، بیروت.
٣٧. رحمانی همدانی، احمد، الامام علی بن ابی طالب، تهران، امنیر للطباعة و النشر، ١٤١٧ق.
٣٨. زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقيق مجموعة من المحققين، دار الهداية.
٣٩. سیوطی، جلال الدین، الجامع الصغیر، چاپ اول، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، ١٤١٠ق، بیروت.
٤٠. شامی، یوسف بن حاتم، الدر النظیم فی مناقب الأئمة اللہامیم، جامعہ مدرسیں، ١٤٢٠ق، قم.